حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

• پنجشنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲
• ۲۷ شوال ۱۴۴۴
• سال بیست و نهم
• شماره ۸۱۸۷

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

شهادت سروان قربانعلی پیری در هنگ مرزی

سروان قربانعلی پیری در راستای تأمین امنیت مرزهای جنوب شرقی کشور به شهادت رسید. روز ۲۴ اردیبهشت ماه مرزبانان هنگ مرزی زابل هنگام درگیری با قاچاقچیان و معاندین مسلح، یکی از مرزبانان بر اثر اصابت گلوله مجروح می‌شود.

سروان قربانعلی پیری جمعی هنگ مرزی زابل بلافاصله به مرکز درمانی منتقل ولی متأسفانه پس از ۲ روز به علت شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نائل شد. گفتنی است شهید قربانعلی پیری ساکن شهرستان زابل و دارای ۴ فرزند ۲ پسر و ۲ دختر است.

نقشه مأموران قلابی نگرفت

سمانه با دوربین دنبال آدم ربا ها بود

۳ مرد مأمورنما با حمله به مرد جوان قصد ربودن او را داشتند.

به گزارش «ایران»، چندی قبل جوانی به نام حامد در حال قدم زدن در نزدیکی میدان سرو سعادت آباد بود و با خونسردی به سمت عابر بانک رفت. در عالم خود غرق بود و شاید داشت در ذهنش کارهای روزمره‌اش را پشت سر هم می‌شمرد. وقتی دید دستگاه خودپرداز خالی است و کسی در حال کار کردن با آن نیست قدم هایش را تندتر کرد تا در فاصله رسیدن به دستگاه فرد دیگری از راه نرسد و او را معطل نکند. لابد با خود فکر می‌کرد ۲ دقیقه‌ای کارش راه می‌افتد و به بقیه کارهایش می‌رسد.

اما درست در همان لحظه که در عوالم خود غرق بود ۳ مرد که اتفاقاً ظاهر موجهی هم داشتند به سمتش آمدند و در چشم بر هم زدنی او را غافلگیر کرده و دستانش را از پشت بسته و به سمت دیگر پیاده رو کشاندند. حامد فریاد می‌زد و مقاومت می‌کرد: «من را کجا می‌برید؟... ولم کنید... شما کی هستید؟... با من چه کار دارید؟»

با سر و صدای این مرد اولین کسی که متوجه فریاد کمک خواهی‌اش شد خواهرش به نام سمانه بود. او با سرعت از خانه‌اش بیرون دوید و خودش را به حامد رساند. ۳ مرد ناشناس سعی می‌کردند حامد را سوار خودرویی کنند و بالاخره این کار را کردند. اما فریادهای خواهر حامد کارساز شد و توجه عابران و رهگذران را جلب کرد. چند نفر جلو آمدند و در اعتراض به ۳ مرد شیک پوش گفتند که دارید چه کار می‌کنید؟

در آن لحظه آن افراد خودشان را مأمور معرفی کرده و گفتند که دخالت نکنید و نزدیک نیایید. این مرد سارق است و باید او را دستگیر کنیم. خواهر حامد کاری از دستش جز فیلم گرفتن از آن لحظه‌ها برنمی آمد. آدم ربا‌های مأمورنما حامد را روی زمین انداخته بودند و بشدت کتکش می‌زدند. رهگذران شاهد بودند که یکی از آن ۳ نفر که اندام درشت‌تری هم داشت روی سینه حامد نشست و حامد گفت نفسم بالا نمی‌آید!

همان موقع مأموران گشت کلانتری شهرک قدس از راه رسیدند و آدم ربایان را غافلگیر کردند. آنها حامد را از چنگال آدم ربایان نجات دادند و به همراه متهمان راهی کلانتری شدند. حال جسمی حامد وخیم بود و بعد از ثبت شکایت اولیه به دلیل شدت جراحات ناشی از ضرب و جرح به بیمارستان منتقل شد.

حامد در شکایت خود گفت: «روز حادثه خانه خواهرم بودم و بعد از بیرون آمدن از آنجا می‌خواستم از عابربانک پول بگیرم که ناگهان این ۳ مرد روی سر من ریختند و بشدت کتکم زدند. آنها می‌گفتند مأمور هستند و گمان می‌کنم قصد ربودن و اخاذی از من را داشتند. هنوز نزدیک خانه خواهرم بودم که او سر و صدای من را شنید و به کمک من آمد.»

به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدرضا صاحب جمعی بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی قرار گرفت و تحقیقات از متهمان و شهود برای روشن شدن راز ماجرا آغاز شد.

شاهد کتک خوردن حامد بودیم!

متهمان که اتهامات خود را انکار می‌کردند در دادسرای جنایی تهران تحت تحقیقات قرار گرفتند. یکی از آنها در مورد روز حادثه گفت: «ما قصد ربودن این مرد جوان را نداشتیم. در پیاده رو با هم بحثمان شد که او و خواهرش به ما حمله کردند. آنها نسبت به ما فحاشی کردند و حتی در این درگیری مرد جوان پیراهن یکی از ما را هم پاره کرد. بعد هم خواهرش شروع کرد به فیلم گرفتن از صحنه ماجرا.»

در حالی که فیلم ضبط شده در دوربین گوشی همراه سمانه نشان می‌داد که حرف‌های متهمان صحت ندارد، تحقیقات قضایی از شهود آغاز شد.

خواهر حامد نیز به عنوان شاهد ماجرا گفت: «وقتی سر و صدای برادرم را شنیدم خودم را سراسیمه به کوچه رساندم. این ۳ مرد قصد داشتند با زور برادرم را سوار خودرویی کنند و حتی چند دقیقه‌ای هم او را در خودرو پژو ۲۰۶ حبس کردند که من مانع حرکت آنها شدم. وقتی جمعیت جمع شد آنها خودشان را مأمور معرفی کردند و گفتند که برادر من دزد است. اما بعد از اینکه مأموران گشت از راه رسیدند و دروغ این مردان آدم ربا در برابر چشم عابران فاش شد، مرد جوانی جلو آمد و به من گفت که هر چه را دیده شهادت می‌دهد. همه از اینکه این ۳ مرد نزدیک بود برادرم را بربایند وحشت کرده بودند.»

با اطلاعاتی که سمانه در اختیار بازپرس پرونده قرار داد، شاهدان صحنه درگیری احضار شدند. یکی از آنها که مرد جوانی بود در اعلام شهادت خود گفت: «آن روز من و دوستم در حال عبور از نزدیکی میدان سرو بودیم که متوجه شدیم ۳ مرد که ظاهراً متشخص و با ادب بودند در حال کتک زدن مرد جوانی هستند. من و دوستم نزدیک شدیم تا آنها را جدا کنیم که یکی از آنها با آرامی از ما خواست دور شویم و گفت مأمور پلیس هستیم و باید این سارق را تحویل دهیم. مرد جوان به سختی نفس می‌کشید و می‌گفت نفسم دارد بند می‌آید. وقتی مأموران گشت کلانتری از راه رسیدند، متوجه شدیم که این ۳ مرد دروغ می‌گفتند و می‌خواستند به دلیل نامعلومی مرد جوان را با خود ببرند.»

یکی دیگر از شهود که زن جوانی بود نیز گفت: «آن روز دیدم که مرد جوان بشدت از این ۳ مرد کتک می‌خورد و شنیدم که آنها خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند اما لباس پلیس نداشتند. بعد هم مأموران گشت کلانتری از راه رسیدند و فهمیدیم که آنها دروغ گفته بودند.»

بعد از طی روال قانونی و تکمیل تحقیقات در پرونده، کیفرخواست متهمان به اتهام ضرب و جرح، افترا و فحاشی و شروع به آدم ربایی صادر شد و آنها بزودی در دادگاه محاکمه خواهند شد.

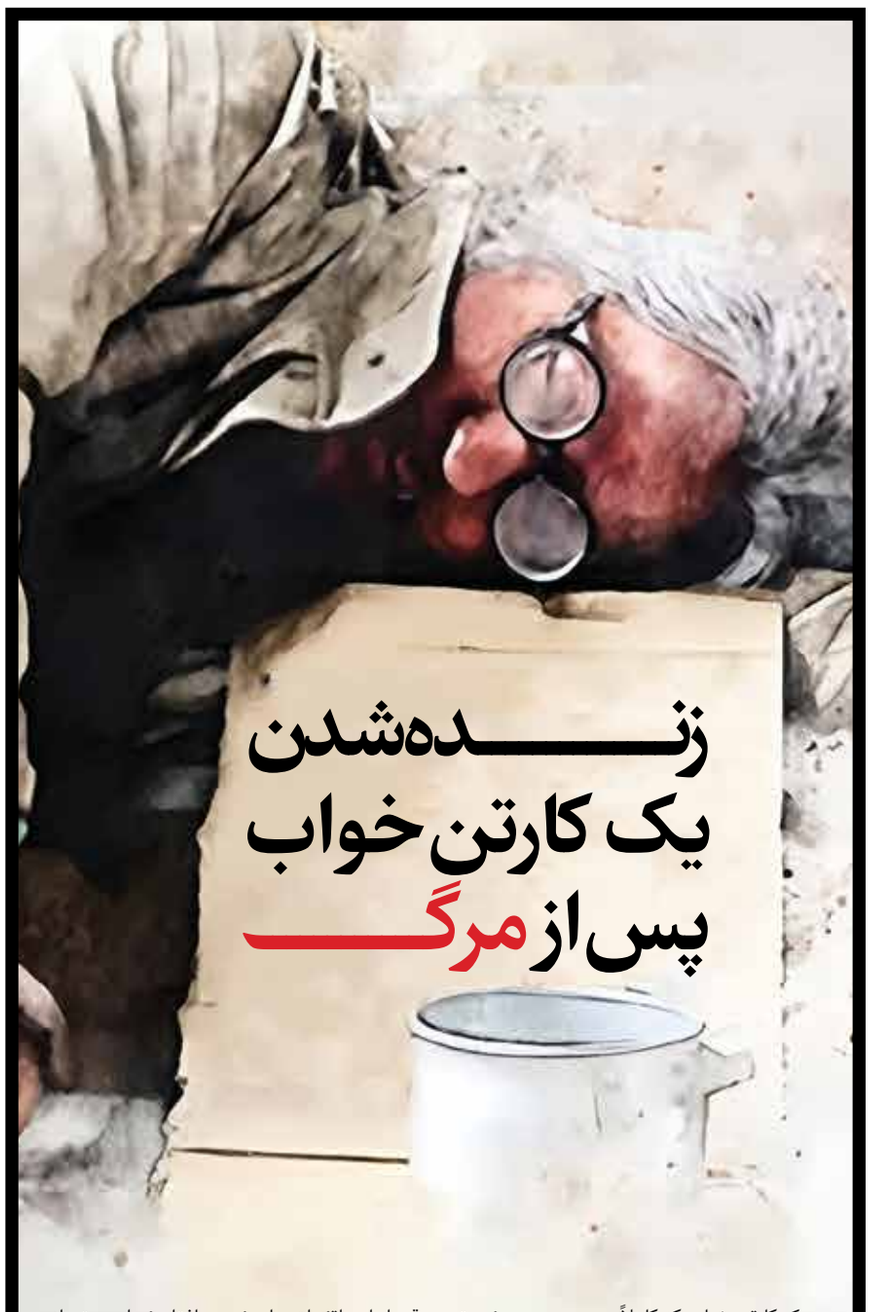

زنده‌شدن یک کارتن خواب پس از مرگ

یک کارتن خواب که کاملاً مرده بود و رویش پتو کشیده بودند زنده شد و حالا به زندگی رؤیایی و پاک بازگشته است! با کمک تعدادی از فعالان اجتماعی شهر تهران، یک کارتن‌خواب معتاد که بر اثر ایست قلبی جان باخته بود بعد از احیای دوباره به حیات بازگشت و اکنون در حال ترک اعتیاد و بازگشت واقعی به زندگی است.

سپیده علیزاده، فعال اجتماعی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» تصریح کرد: ما سر یک سفره افطاری در ماه رمضان بودیم که در آن عزیزان کارتن‌خواب حضور داشتند و ناگهان یکی از آنها به سمت ما آمد و گفت یک نفر بیرون فوت کرده است و من بدون اینکه فکر کنم چه اتفاقی افتاده است یا چه کسی دچار این مسأله شده به سمت بیرون دویدم. وی در تشریح این ماجرا افزود: در حین خروج از محل افطاری فکر می‌کردم که آیا واقعاً الان که ما این برنامه را تدارک دیده‌ایم وقت مردن یک نفر بود؟ و خیلی ناراحت بودم که امکان داشت برنامه ما درکل به هم بریزد. این فعال اجتماعی بیان کرد: من چند بار از فردی که این خبر را داده بود پرسیدم که مطمئن هستی یک نفر مرده است؟ و او به من گفت: «آره ما حتی روی او پتو کشیدیم» یعنی همین قدر مطمئن بودند که او مرده است. علیزاده گفت: همکارم قبل از اینکه من برسم بالای سر این فرد رسیده بود و تا من به او برسم عملیات **CPR** (احیای قلبی) روی او انجام داده بودند تا من رسیدم او به من گفت: «من این فرد را می‌شناسم و از افراد مجموعه ماست و هر روز صبح از ما خدمات دریافت می‌کند.»

وی در تشریح ماجرا بیان داشت: من تا به محل وقوع اتفاق برسم به اورژانس زنگ زدم و زمانی که به محل حادثه رسیدم دیدم که بعد از ۱۰ یا ۱۲ بار فشار بر قفسه سینه او احیا شد و برگشت.

این فعال اجتماعی ادامه داد: بعد از چند ثانیه همه جمع شدند و دور ما شلوغ شد و من داشتم تنها به این مسأله فکر می‌کردم که ما که دراین مجموعه این کارها را انجام می‌دهیم از برگزاری نوروز تا سفره افطار و کارهای دیگر برای این است که یک جایی یک نفر آن اتفاقی که باید، برای او رقم بخورد و مسیر زندگی او تغییر پیدا کند.

علیزاده تأکید کرد: من در حال فکر کردن به این بودم که شاید برگشتن دوباره او به زندگی یک برگشت واقعی باشد و خیلی جدی با او به صحبت نشستیم و گفتیم که این برگشتن تو به حیات باید یک بازگشت جدی به زندگی باشد.

او می‌افزاید: این منطقه خیلی خلوت است و کارتن‌خواب‌ها هم متأسفانه کسی چشم به راه آنها نیست اصلاً بودن یا نبودنشان را کسی متوجه نمی‌شود و اگر این فرد یک روز بعد یا قبل این اتفاق برایش می‌افتاد شاید حتی از مجموعه ما هم کسی متوجه مرگ یا عدم حضورش نمی‌شد و این باعث شد که همکار ما شروع کرد به مکالمه با او. از او پرسید چند سال داری؟ گفت: ۳۰ سال. گفتیم چند سال است که مواد مصرف می‌کنی؟ گفت: ۱۴ سال است و به او گفتیم یاعلی بگو و بلند شو تا تو را ببریم به کمپ. ابتدا مقاومت می‌کرد ولی با صحبت‌هایی که انجام دادیم راضی شد تا با هزینه ما به کمپ برود و از روزی که از سفره افطار بلند شدم تا الان این فرد در کمپ است و خدا را شکر می‌کنم که وضعیت ترک او به شکل خوبی پیش می‌رود. علیزاده گفت: با مشاوره‌هایی که از کارشناسان گرفتیم گفتند که چون دوره اعتیاد او طولانی بوده باید چند دوره تحت درمان قرار گیرد و بعد از ترک هم باید حتماً سر کار برود و او نیاز به حمایت جدی دارد.

این فعال اجتماعی عنوان کرد: من چند بار به او گفتم که پسر جان خدا می‌خواست تو برگردی و این به احترام سفره‌ای است که در اینجا پهن شده و نباید این فرصت را از دست بدهی.

وی تأکید کرد: متأسفانه هزینه‌های کمپ‌ها به قدری بالا است که نه تنها کارتن‌خواب‌ها که در بسیاری از موارد افرادی که برخوردار هستند نیز توانایی پرداخت هزینه‌ها را ندارند و هزینه سه یا چهار دوره ترک اعتیاد او رقم بالایی برای ما محسوب می‌شود.

علیزاده بیان داشت: روزی نیست که یک کارتن خواب دنبال من ومعرفی کمپ خوب نباشد و بسیاری از آنها زنان هستند، اما واقعیت این است که چه مقدار می‌توان برای آنها کمک‌هزینه جمع کرد یا خیرین کشور ما تا چه میزان با درد این جامعه آشنا هستند و این کار را برای ما مشکل می‌کند. این فعال اجتماعی در پاسخ به این سؤال که آیا خانواده این افراد به آنها کمک نمی‌کنند؟ افزود: در بسیاری از موارد خانواده مسئولیتی در قابل آنها نمی‌پذیرند و در مواردی در مورد مردها شاید این اتفاق بیفتد اما در مورد زنانی که آسیب دیده هستند خانواده هیچ گاه نمی‌خواهند آنها برگردند در حالی که در مورد آقایان این پذیرش از سوی خانواده بالاتر است. وی یادآور شد: چیزی که بدیهی است اینکه اینها جوانان و بخشی ازهمین جامعه هستند.

علیزاده افزود: افرادی مثل زنان باردار و یا افرادی را که دچار بیماری‌های عفونی هستند غربالگری می‌کنند و به مکان‌های دیگری می‌فرستند که تجربه نشان می‌دهد درنهایت این افراد را بدون اینکه مسئولیتی در قبال آنها قبول کنند، رها می‌کنند و این دامن زدن به همین چرخه و روند معیوب است.

زن تهرانی سارق قمه کش را کشت

سارقی بعد از حمله با سلاح سرد به زن جوان در خیابان پاسداران با خودروی او تصادف کرد و جان باخت. به گزارش «ایران»، پنجم بهمن‌ماه سال گذشته در خیابان پاسداران تهران حادثه‌ای تلخ و کم‌نظیر رقم خورد و دوربین‌های مداربسته لحظه به لحظه این حادثه را ثبت کردند. زن جوانی همراه کودک خردسالش در خودروی لوکس نشسته بودند و خانم راننده سعی می‌کرد خودروی خود را از پارک خارج کند. همان موقع ۲ جوان که ترک یک موتورسیکلت نشسته بودند به او نزدیک شدند و در چشم برهم‌زدنی کیف دستی او را از داخل خودرو ربودند. صدای فریادهای زن جوان و دخترک وحشت‌زده‌اش خیابان را پر کرد. سارق با تهدید قمه اموال آنها را ربوده و ترس عجیبی به جانشان انداخت بود. اما درست در لحظه‌ای که سارقان اقدام به فرار کردند، زن جوان هم پایش را روی پدال گاز خودرویش گذاشت و با موتورسیکلت سارقان برخورد کرد. دو سارق نقش زمین شدند، اما یکی از آنها از جایش بلند شد و پای پیاده فرار کرد. سارق دیگر نمی‌توانست حرکت کند و حال او وخیم به نظر می‌رسید. بلافاصله امدادگران اورژانس از راه رسیدند و سارق جوان را به بیمارستان منتقل کردند، اما او ساعتی بعد در بیمارستان جان خود را از دست داد و اتهام قتل روی پرونده خانم راننده خودروی لوکس خورد! به این ترتیب رسیدگی به ماجرا در دستور کار وحید ناصری، بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. در حالی که زن جوان چنین اظهاراتی را مطرح می‌کرد به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران، کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مداربسته محل تصادف پرداختند. فیلم‌ها نشان می‌داد که سارق پس از سرقت کیف زن جوان بلافاصله سوار بر موتورشده تا از آنجا فرار کند. زن جوان هم با خودروی خود در همان مسیر شروع به حرکت کرد و چند متر آن طرف‌تر با خودرو به موتورسیکلت برخورد کرده و باعث مرگ سارق شده است. در ادامه تحقیقات خانواده پسر جوان شناسایی شدند و پس از ثبت شکایت از زن جوان گفتند: پسرمان برای کار به تهران آمده بود و نمی‌دانستیم چه کار می‌کند، الان هم از این خانم به اتهام قتل پسرمان شکایت داریم. از سویی بررسی سوابق کیفری مرد موتورسوار حکایت از آن دارد که او به اتهام کیف‌قاپی چندین بار بازداشت شده بود. تحقیقات در این پرونده در حالی ادامه داشت که اگر ثابت می‌شد زن جوان به قصد پس گرفتن کیف خود، موتور را تعقیب کرده و به عمد با او برخورد کرده است، اتهام قتل عمد سارق برایش در نظر گرفته می‌شد. به این ترتیب هیأت کارشناسی برای بررسی نوع برخورد تشکیل شد و در بررسی‌های این کارشناسان اعلام شد، برخورد خودروی این خانم با موتورسیکلت تصادفی بوده که در آن خانم راننده ۵۰ درصد مقصر است. با اعلام این نتیجه، روال رسیدگی به پرونده وارد مسیر جدیدی شده و روند قانونی در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران در جریان است.

مرگ دختر نوجوان در خودروی سوخته

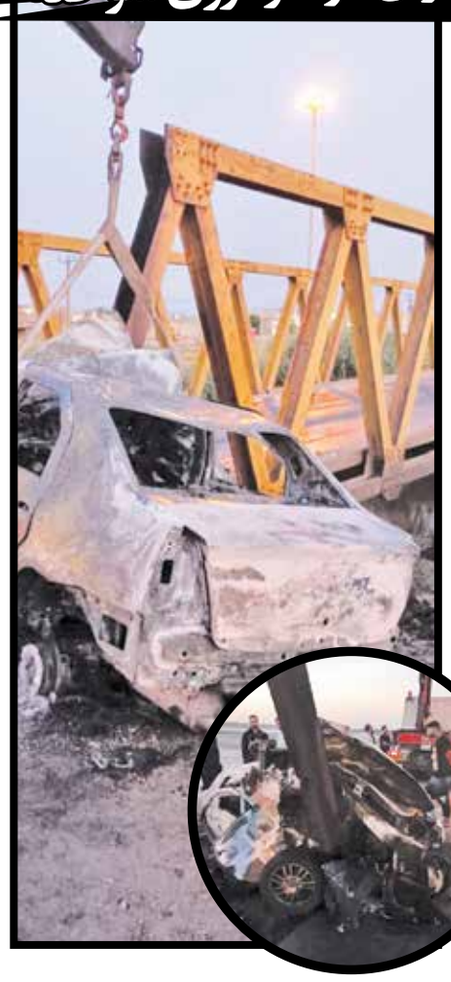

واژگونی خودروی ال ۹۰ در جاده آبادان به اروندکنار ۲ مصدوم و یک کشته برجای گذاشت.

مسعود کاظمی مسئول مرکز هدایت عملیات بحران **EOC** دانشگاه علوم پزشکی آبادان اظهار کرد: روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه سال جاری طی تماس با مرکز پیام اورژانس پیش بیمارستانی ۱۱۵ در ساعت ۴:۲۱ صبح مبنی بر واژگونی و آتش‌سوزی یک خودروی سواری ال ۹۰ در محور آبادان به اروندکنار (پل رمیله)، بلافاصله دو تیم امدادی از نزدیک‌ترین پایگاه‌های اورژانس ۱۱۵ دانشگاه علوم پزشکی آبادان به محل حادثه اعزام شدند.

کاظمی افزود: در این حادثه ۲ نفر از سرنشینان این خودرو مصدوم شدند که پس از دریافت اقدامات درمانی لازم توسط تکنسین‌های اورژانس ۱۱۵ جهت ادامه درمان به بیمارستان شهید بهشتی شهرستان آبادان منتقل شدند. کاظمی در ادامه گفت: در این حادثه متأسفانه یک دختر نوجوان به دلیل شدت جراحات و سوختگی شدید در دم جان باخت که در ادامه اقدامات لازم جهت انتقال نامبرده صورت گرفت. علت حادثه توسط کارشناسان پلیس در حال بررسی است.